

تاریخ علم، دوره ۱۳، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۴، ص ۵۱-۶۳

روش‌های تمثیلی و اندیشه‌های کهنات در فردوس الحکمة ابن ربن طبری

محبوبه فرخنده‌زاده

استادیار، دانشگاه فردوسی مشهد

farkhondehzadeh@um.ac.ir

(دریافت: ۱۳۹۵/۰۹/۲۳، پذیرش: ۱۳۹۶/۰۱/۱۹)

چکیده

دانش پزشکی در آغاز پیشینه تاریخی خود با خرافات و روش‌های سحرآمیز همراه بود. پس از آنکه پزشکی از خرافات جدا شد و بر پایه چند اصل کلی و تجربه بالینی قرار گرفت کماکان روش‌های غیر علمی در آن تأثیرگذار بوده است. فردوس الحکمة از جمله نخستین آثار جامع پزشکی دوره اسلامی است. امادر آن می‌توان اشارات و تجویز روش‌های غیر علمی را به وفور مشاهده کرد. در این مقاله که به روش توصیفی و با تکیه بر فردوس الحکمة طبری تألیف شده است، تلاش می‌شود به کاربرد و اثر بخشی طلسمات، تعاویذ و روش‌های جادویی در دانش پزشکی پرداخته شود. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که طبری به تأثیر و ارتباط علم تنجیم و خواص جانداران و کارکرد طلسمات در دانش پزشکی اعتقاد داشته است؛ از این رو وی با تأثیرپذیری از مکاتب پزشکی تمدن‌های پیشین و باورپذیری از طبابت عامیانه، سحر و جادو را منشأ بروز بیماری دانسته و در درمان بیماری‌ها و تجویز دارو شیوه‌های آمیخته با خرافات و کارکرد تعاویذ را از نظر دور نداشته است و به سحر و طلسم‌های مختلف توسل می‌جوید.

کلیدواژه‌ها: جادو، دانش پزشکی، طلسم، فردوس الحکمة.

مقدمه

نگرش جادویی و باور به روش‌های تمثیلی، نجومی و کاربرد طلسمات بخشی از شیوه‌های درمانگری در دانش پزشکی بوده است. توجه بشر به امور ماوراء طبیعی و حرکات اجرام آسمانی و کارکرد و خاصیت گیاهان، حیوانات و کانی‌ها این باور را شکل داد که آنها در سرنوشت و تقدیر انسان تأثیرگذارند. در جوامع ساده و ابتدایی، نظرات پزشکی بر پایه جادو و سحر و خواندن اوراد و تعاویذ بوده است و جادوگران و کاهنان به پزشکی و درمانگری می‌پرداختند. در فرهنگ ایران باستان سحر و جادو کاربری داشت و اعتقاد به این موضوع را می‌توان از لابه‌لای متون حتی دینی یافت (تفضلی، ص ۷۳-۷۵). با تکوین و تکامل علم بشری و تقسیم علوم، سحر و طلسمات، سیمیا و کیمیا از شاخه‌های فرعی علوم طبیعی به شمار می‌رفتند. ابن ندیم در فن دوم مقاله هشتم الفهرست (ص ۳۶۹، ۳۷۹) به آراء و نظرات جادوگران پرداخته و متون و آثار نوشته شده در تعاویذ و طلسمات را نام برده است. دانشمندان برجسته مسلمان نیز آثاری در این زمینه نوشته‌اند که از جمله می‌توان به غایة الحکیم اثر ابوالقاسم مجریطی اشاره کرد که از تألیفات مهم در سحر و جادو به شمار می‌رود. ابن سینا در اشارات سحر را تعریف می‌کند و اقسام آن را برمی‌شمرد (ج ۴، ص ۱۵۸-۱۵۹). او همچنین در اثری مستقل با نام کنوزالمعزمین به فارسی که مسلّم نیست که از او باشد به تأثیر و ارتباط ستارگان بر حیات بشری از جلب محبت تا تندرستی سخن گفته است (ص ۱۶-۱۷). بر این اساس هرچند به نظر می‌رسد مکاتب پزشکی در دوره اسلامی می‌بایست از این دست مسائل دور باشند اما این روش‌ها در کنار طبابت کماکان ادامه داشت و باورمندان به خاصیت درمانی و ثمربخشی آنها، آن را پذیرفته بودند.

فردوس الحکمه نوشته ابن ربّین طبری همچون دیگر آثار جامع پزشکی هم‌عصر خود نوعی دائرةالمعارف پزشکی یا کُنّاش است که علاوه بر موضوعات پزشکی، در آن اطلاعات و مطالبی در باره حکمت طبیعی، تجربیات شخصی (برای نمونه او می‌نویسد: «من در طبرستان صاعقه‌هایی دیدم که صخره‌ها و درختان بزرگ را تکه تکه می‌کردند» ص ۲۵) نجوم، هواشناسی و روان‌شناسی و آگاهی‌های غیر مرتبط با پزشکی (ص ۵۲۷) نیز یافت می‌شود. در این پژوهش به اشارات او در باره استفاده از تعاویذ و طلسمات در درمان بیماری‌ها توجه شده است.

در این مقاله نویسنده در پی آن نیست که درستی یا نادرستی و یا عدم تأثیرپذیری سحر و جادو را به عنوان روش درمانی تبیین و توجیه کند بلکه مسأله اصلی پژوهش پیش‌رو نفوذ و رسوخ اندیشه‌های جادویی و کاربرد طلسم و تعویذات و روش‌های تمثیلی در علل و مداوای بیماری در پزشکی تمدن اسلامی است.

تعریف لغوی کهانت، جادو

در لغت معانی چند برای کهانت ذکر شده است مانند غیبگویی، فالگیری و طالع‌بینی (مسعودی، ج ۲، ص ۱۵۲). جادو به معنی سحر و ساحری و افسون کردن و از لفظ ساحر هم به معنی فسونگر و جادوگر یاد شده است (مجریطی، ص ۶-۷؛ ابن خلدون، ص ۴۸۲؛ دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ذیل، جادو. برای آگاهی از تفاوت جادو و سحر، نک: همان، ص ۲۲۹-۲۳۶). لفظ سحر در عرف شرع به معنای هر کاری است که سببی نهانی دارد و حقیقتی بر دیگران نموده شود، که ظاهر سازی و فریب است و چون مطلق آید و قیدی ندارد مفید نکوهش است (مجلسی، ج ۳، ص ۲۳۴). مجلسی برای سحر و جادو معانی اصطلاحی چندی نیز در نظر گرفته است و جادو را در هشت قسم می‌داند: چشم‌بندی، توهم، تسخیر دلهای، کمک از ارواح و سخن‌چینی از آن انواع معانی و فعالیت ساحران و جادوگران است (همان، ص ۲۳۴ به بعد).

سحر و جادو در دانش پزشکی مکاتب قدیم

از آثار به‌دست آمده از تمدن‌های کهن می‌توان پی برد که ایشان نفوذ ارواح بد در روان انسان را منشأ بیماری می‌دانستند، از این رو معالجه از طریق تعاویذ به منظور خروج این ارواح از بدن بیمار از جمله روش‌های درمانی به حساب می‌آمده است و بنا بر این جادوگران و کاهنان وظیفه درمان را به عهده می‌گرفتند و به این ترتیب علم پزشکی یکی از علوم اختصاصی کاهنان به شمار می‌رفت. برخی محققان این گروه از کاهنان را جادوگران پزشک‌نما می‌نامند (چایلد، ص ۳۰۰-۳۰۱). برای نمونه در برخی الواح بابلی به متنی از این دست برمی‌خوریم: «تب بر اثر نفوذ شیطان بروز می‌کند، شیطان بدن انسان را می‌خورد و او را نابود می‌کند» (شی‌یرا، ص ۲۲۹). بر این اساس وظیفه علم پزشکی بیرون راندن روح شیطانی از بدن بیمار به کمک خواندن اوراد، افسون، تعویذ و اجرای مراسم مذهبی است (چایلد، ص ۳۰۶). مورخان تاریخ پزشکی به رواج استفاده از این روش در درمان بیماران در تمدن‌های کهن اشاره کرده‌اند (برای نمونه نک: الگود، ص ۲۰-۲۲؛ نجم‌آبادی، ص ۹۸-۹۹؛ کاویانی پویا، ص ۲۴-۲۵).

در اوستا درمانگران در سه طبقه تقسیم شده‌اند: آنها که با دعا و رسوم دینی درمان می‌کنند (موبدان)، آنها که با پرهیز و دارو درمان می‌کنند (پزشکان) و آنها که با وسایل و لوازم درمان می‌کنند که می‌توان آنها را همان جراحان دانست (وندیداد، فرگرد هفتم، بند ۴۷). در حقیقت «مانتره پزشک» (دعا پزشک و یا روان‌پزشک) کسی بود که بیمار را با اوراد و ادعیه سحرآمیز، تعویذ و نوشتن و تلاوت ادعیه مقدس درمان می‌کرد و او پزشک پزشکان بود (آموزگار، ص ۳۷۶؛ کریستن‌سن، ص ۵۵۱).

جادو و کهنات در آثار پزشکی تمدن اسلامی

هر چند این طور به نظر می‌رسد که پزشکی در دوره اسلامی مربوط به دوره‌ای است که دانش پزشکی در سنت قدیم خود باید به حدی رسیده باشد که اثر بخشی طلسمات و تعویذ فراموش شده باشد، اما در متن‌های پزشکی همچنان اشاره به روش‌های درمانی جادویی و تمثیلی مشاهده می‌شود. علی بن ربیع طبری را می‌توان از نخستین پزشکانی دانست که با پرداختن به کهنات و اندیشه‌های پزشکی جادویی در کتاب خود زمینه‌ساز ورود این نوع نگاه و اندیشه به پزشکی اسلامی شده است. نوشته‌ها و متون پزشکی طبری (برای آگاهی از آثار طبری نک: ابن ابی اصیبعه، ج ۳، ص ۱۱) که پزشکی آموزش دیده بود و نظریاتش بر مبنای پزشکان مکاتب یونانی، هندی و جندی‌شاپور استوار است، خالی از دعا، سحر و ستاره‌شناسی و اعتقاد به پدیده‌های خاص نیست. در کتاب فردوس الحکمه که مهم‌ترین اثر پزشکی او به شمار می‌رود، به تجویز دارو و استفاده از آن به همراه طلسمات و روش‌های سحرآمیز اشاره شده است.

طبری در آوردن این مطالب به پزشکان پیشین یونان و بیش از همه به اسکندر طرابلسی (طرابلسی) اشاره می‌کند. در آن زمان دست‌نوشته‌ای از اسکندر طرابلسی در دست بوده که در آن به درمان از طریق به کار بردن روش‌های سحر و جادو اشاره شده بوده است (اولمان، ص ۳۱). درمان‌ها و داروهای جادویی در نوشته‌های طرابلسی نقش عمده‌ای دارند و وی آنها را درمان‌های طبیعی می‌خواند (همو، ص ۱۴۵). در کنار کتاب طرابلسی، بسیاری از آثار و متون هرمسی که به زبان عربی ترجمه شدند، شرح ساخت تعویذهایی است که برای مراسم جادویی و درمانی مفید بوده است (ابن ندیم، ص ۳۷۲-۳۷۳). طبری در کتاب خود می‌نویسد: «اسکندر و دیسکوریدوس و دیگر فرزندانگان از این افسون‌ها یاد کرده‌اند و آن را پایه درمان خود قرار می‌دادند» (ص ۳۱۰).

روش‌های تمثیلی و اندیشه‌های کهانت در.../ ۵۵

او همچنین به اعمال جادویی زادگاه خود، طبرستان، نیز نظر داشته است و هرگاه به آنها اشاره می‌کند می‌نویسد: «مجربان گفته‌اند» (برای نمونه نک: همو، ص ۳۰۰، ۴۴۰).

طبری در تلفیق آموزه‌های پزشکی و باورمندی به اثربخشی کهانت نقش بسزایی در پزشکی اسلامی داشت و اندیشه‌های وی را می‌توان در متون پزشکی سده‌های بعد یافت. بعد از طبری باید از محمد بن زکریای رازی نام برد که در آثارش اعتقاد به معالجات و درمان از راه قوای غیبی و مکنون مشاهده می‌شود. در کتاب الخواص (ابن ابی اصیبعه از این اثر با عنوان «فی خواص الأشياء» نام برده است، ج ۳، ص ۳۴) رازی نشانه‌هایی از اعتقاد وی به امور تمثیلی و ارتباط آن با پزشکی دیده می‌شود.

اندیشه کهانت و روش‌های جادویی در فردوس الحکمه

به منظور بررسی استفاده از روش‌های درمانی غیرپزشکی در فردوس الحکمه طبری به چند دسته از آنها پرداخته خواهد شد: تنجیم، کانی‌ها (سنگ)، خواص جانوران و گیاهان و روش‌های تمثیلی. در اینجا از هر قسمت نمونه‌هایی خواهد آمد.

علم تنجیم و ارتباط آن با پزشکی

اعتقاد به اینکه اجرام آسمانی بر احوال و سرنوشت انسان مؤثرند و شناخت این تأثیر از جمله معارف بشری است در جوامع علمی قدیم رایج بوده است. مثلاً برخی رخدادهای نجومی مانند قران را دلیلی بر شدت یا بهبود بیماری می‌دانستند (برای نمونه نک: مجریطی، ص ۳۶؛ ابومعشر بلخی، ص ۲۳، ۳۷). نفوذ این اعتقادات در آموزش پزشکی را می‌توان از برخی آثار دریافت که در آنها به ارتباط تنجیم و درمان در پزشکی اشاره شده است. برای مثال عقیلی خراسانی در بخش نخست مخزن الأدویه (ص ۸۹-۹۰) به پیوستگی دانش پزشکی و ستاره‌شناسی تأکید کرده و از اثربخشی اجرام آسمانی بر حیات فرد و بدن انسان، جانداران و کانی‌ها سخن گفته است. طبری نیز آگاهی از حرکات ستارگان و اخترشناسی را برای دانشجویان حرفه پزشکی مقدم بر آن دانسته است (طبری، ص ۵۰۱). برخی محققان تبویب و تنظیم اثرش به ۳۰ گفتار و هر گفتار در ۳۶۰ باب (بخش) را دلیل علاقه او به ستاره‌شناسی دانسته‌اند (رضوی برقی، ص ۱۸۱). باورمندی طبری به کاربرد پزشکی ستاره‌شناسی را می‌توان در استناد وی به آراء و دیدگاه دانشمندان هند، روم و بابل و نقل گفته‌های ایشان در باره هوا، آب و اماکن دریافت. وی با استناد به گفته بقراط می‌نویسد:

گرچه دانش اخترشناسی بخش کوچکی از دانش پزشکی نبوده اما بر آن تأثیر شگرف دارد، همچنانکه ستارگان در دگرگونی فصول و زمان تأثیر دارند، بر تغییر تن آدمی نیز نقش دارند (طبری، ص ۵۴۱).

باور به این تفکر تا آنجاست که حتی حیات طبیعی زندگی جانوران زمینی را به حرکت ستارگان آسمان وابسته می‌دانند. برای مثال طبری می‌گوید:

اگر کسی در دست و پایش زگیل باشد و به ستاره‌ای که در حال افول است نگاه کند و در همان دم دست خود را به سوی آن ببرد، زگیل بهبود می‌یابد (ص ۵۲۵-۵۲۶).

کانی‌ها و خواص درمانی آنها در پزشکی

سنگ‌ها و جواهرات گذشته از جنبه تزئینی، در افکار عمومی نماد بخت و اقبال بودند و به خاصیت درمانی آنها نیز اعتقاد داشتند. نویسندگان آثار جواهرشناسی علاوه بر ذکر روش شناخت کانی‌ها معمولاً به خواص آنها و فایده آنها در دفع بیماری‌ها نیز اشاره می‌کنند (برای نمونه نک: ابن‌ماسویه، ص ۴۸، ۵۱؛ بیرونی، ص ۲۹؛ کاشانی، ص ۲۷-۲۸؛ طوسی، ص ۶۹، ۷۳).

آشنایی مسلمانان با آثار ایرانی و هندی و نیز ترجمه کتاب گزنوکراتس - اثری در باره تأثیر درمانی و دارویی سنگ‌ها که در سده سوم هجری به عربی برگردانده شد (اولمان، ص ۱۴۹) - در گرایش فکری و باور پزشکان مسلمان به اثر سنگ‌ها در درمان مؤثر بوده است. تفکر عامیانه نیز برای برخی گوهرها و سنگ‌ها ارزش جادویی و درمانی و نیروی رفع و دفع بدی قائل بودند و افراد برای حفاظت از خود از سنگ‌ها به صورت حرز، طلسم، تعویذ و زیورآلات استفاده می‌کردند. سنگ‌ها، به ویژه سنگ‌های قیمتی، برای هماهنگی جسم و روح و درمان بیماری‌ها به کار می‌رفتند مثلاً ابن سینا طلا، یاقوت و فیروزه را برای درمان بیماری‌های قلب مفید دانسته است (ابن سینا، ج ۳، ص ۵۶).

طبری نیز بارها در اثر خود به ثمربخشی و کارکرد سنگ‌ها به عنوان یکی از ابزارهای درمانی اشاره کرده است. برای نمونه می‌توان از این موارد یاد کرد:

- سنگی را دیدم برای بیماری آبله مانند خرمهره؛
- سنگ بیماری زردی (یرقان) رنگ آن مانند رنگ بیمار زرد بود؛

- سنگی از سرزمین هند است که آن را به شکم بیمار استسقای می‌بندند تا آب را بکشد؛
- اگر جوجه‌های پرستو را از لانه پرستو گرفته و شکم آنها را بشکافند، درون آن دو سنگ می‌یابند که یکی دارای یک رنگ و دیگری چند رنگی است، اگر هر دو را در کیسه‌ای بگذارند و به بیماری صرعی آویزان شود، برای او سودمند است (ص ۵۳۵)؛
- نزد خانواده‌ای در اهواز سنگی هست که جنین را از آغاز نگه می‌دارد...، چنان است اگر دو زن آبستن به یکدیگر برخورد کنند، زنی که این سنگ را به همراه نداشته باشد، جنین وی می‌افتد (ص ۳۹).

خواص جانوران و گیاهان و درمان بیماران

به جز علم تنجیم و کاربرد طلسمات، در فردوس الحکمه، مطالبی ذکر شده که در باره ویژگی‌های حیوانات و گیاهان و تأثیر آنها در ایجاد یا بهبود بیماری‌ها است. احتمالاً مرجع بیشتر عباراتی از این دست در آثار پزشکی دوره اسلامی و نیز فردوس الحکمه، رساله‌ای با عنوان «کورانیس» است که احتمالاً بر پایه عقاید بابلیان نوشته شده و شهرت داشته است. ترجمه‌های یونانی و سریانی این اثر در دوران ترجمه آثار علمی به عربی موجود بوده و آن نیز به عربی ترجمه شده است (اولمان، ص ۱۴۶). حضور چنین اثری و نیز اعتقاد مردم به عواملی از این دست می‌تواند دلیل توجه طبری به یاد کردن از آنها باشد. در مقالات نوع ششم فردوس الحکمه، نویسنده به توضیح شمایل و خواص منافع طبایع حیوانات از وحوش، بهایم طیور، حشرات، درختان، و منافع اعضای مختلف بدن جانداران می‌پردازد (طبری، ص ۴۲۱ به بعد). در ادامه طبری در بخشی از مقاله دوم نوع هفتم نیز از خواص و ویژگی‌های مکنون جانداران و کانی‌ها سخن گفته و به اثربخشی آنها از جنبه درمانی و یا صرفاً بیان عجایب آنها اشاره می‌کند (همو، ص ۵۲۴، ۵۲۷)؛ برای نمونه می‌نویسد: «جانورری به نام سمندل [سمندر] به درون آتش فروزان می‌رود و دوست دارد در آن بماند.» (ص ۵۲۴). از نمونه‌های درمانی که طبری به آنها اشاره می‌کند عبارتند از:

- اگر عنکبوت را در نی زندانی کنند، سپس به بازو بیاویزند برای درمان تب سودمند است؛

- دندان نیش چپ افعی را بر کسی که دندان درد دارد آویزان کنند، درد از بین می‌رود؛
 - چنانکه مگس را به جای ریزش مو بگذارند سبب رویش مجدد مو می‌شود و یا مگس را بسایند و بر روی ابرو بمالند ابرو را سیاه می‌کند؛
 - ملخ سبزی که در باغ دیده شده و پاهای بلندی دارد و پرواز نمی‌کند به کسی که تب (عنب) دارد بیاویزند، بهبود یابد؛
 - برای درمان دندان درد شرط معالجه و بهبودی آویزان کردن دندان آسیاب گفتار و اندکی از موی سوسمار به گردن است (ص ۴۳۷، ۴۴۱-۴۴۲).
- گاهی طبری تنها به مفید بودن اجزای مختلف بدن جانوران اکتفا کرده است، بدون آنکه کارکرد درمانی آن را بیان کند. مثلاً نوشته است: «آویزان کردن استخوان گراز به گردن بیمار مفید است» (ص ۳۰۱). گاهی می‌توان مواردی یافت که ربطی به دانش پزشکی ندارند و تنها برای یاد کردن از منافع جانوران یا اعضای آنها آمده‌اند. مثلاً می‌نویسد:
- چنانچه زبان قورباغه سبز را که زنده است جدا کنند و اندکی از آن را به کسی که به او تهمت دزدی زده‌اند، بدهند به بزّه خود اقرار می‌کند؛
 - اگر با جوشانده آب سر قورباغه بستر زن را بخور دهند، او در حالی که خواب است کارهایی را که انجام داده بازگو می‌کند؛
 - اگر زبان [قورباغه] را روی دل زنی که خوابیده است، بگذارند کارهایی را که کرده بازگو خواهد کرد (ص ۴۴۱)؛
 - چنانکه شخصی پری از پرهای شانه‌به‌سر با خود برداشته و به نزد پادشاه برود به خواست خداوند به خواسته‌های خود می‌رسد (ص ۴۳۷).

درمان‌های تمثیلی و بیماری‌های زنان

در معالجه انواع بیماری‌ها درمان‌های تمثیلی و شیوه‌های درمانی سحرآمیز، کاربرد تعویذ و طلسم و بیان خواص جادویی جانداران آمده است اما در مورد بیماری‌های زنان موارد بیشتری آمده است. طبری همچنین بسیار به تجویز طلسمات و تعاویذ به جهت آسان کردن وضع حمل، بهبود زایمان زنان دیرزا و یا سخت‌زا و درمان نازایی پرداخته است. نمونه‌هایی از این موارد در ادامه آمده است:

- اگر سقط جنین برای زنی اتفاق افتاد آیتی از زبور داود را بر روی برگه نوشته آن را میان دو ران زن قرار دهند (ص ۲۸۳):
 - اگر زنی یک بار باردار شود و دیگر نتواند، باید قورباغه‌ای را از رودخانه گرفته و نزد زن بیاورند تا در دهان زن آب دهانش را بیندازد، سپس قورباغه را در آب رودخانه رها نمایند، به اذن خدا زن باردار می‌شود؛
 - اگر قورباغه را در سرکه فروکنند سپس بیرون آورند و دوباره آن را در آب رها کنند، زنده می‌شود. اگر زنی که باردار می‌شد، این قورباغه را بگیرد دوباره باردار نمی‌شود. اگر زن در دهان همین قورباغه آب بزاق خود را بیندازد و آن را در آبی که بوده رها کنند، دوباره زن باردار می‌شود؛
 - اگر مارمولک را در پوست استری گذاسته و زن باردار به خود بیاویزد جنین وی نمی‌افتد (ص ۲۸۱، ۴۴۰، ۴۴۲).
- یا برای حفظ جنین می‌نویسد:
- در ری که بودم سنگی به زنان می بستند تا جنین را نگاه دارد و سنگی دیگر هم بوده که جنین را از سبب سقط جنین می‌رهاند من این دو سنگ را در سرای فرزند صدقه زرگر نصرانی یافتم و گفته شده که در دیلم از این سنگها که باعث حفظ جنین گردد بسیار است (ص ۵۳۵)؛
 - زنی که نوزادش بعد از زادن (زایمان) زنده نمی‌ماند، دندان گفتار را به همراه موی آن به نوزاد ببندند (ص ۲۸۱)؛
- البته این نکته را نباید از نظر دور داشت در بیشتر آثار پزشکی کهن، بخش آبستنی و زایمان مشحون از نسخه‌ها و درمان‌های جادویی است.
- طبری در گفتار نوزدهم از مقاله نهم از نوع چهارم در باره درمان رحم (زهدان) و آسان شدن زایمان سخنی به نقل از پدرش برای تسهیل زایمان آورده است که به نام مستطیل بدوح^۱ خوانده می‌شد.

۱. در کتاب‌های چاپی تصویر مستطیل و آیات زبور مغلوط و تا حدی ناخوانا بوده و ترجمه عربی آن هم اشکال داشته است. مصطفی ذاکری با مراجعه به کشف الآیات کتاب مقدس صورت صحیح آیات را که آیه ۷ از مزمو ۱۴۲ زبور داوود(ع) بوده تصحیح کرده و در مقاله‌ای با عنوان «تصحیح یک طلسم در فردوس الحکمه» چاپ کرده است. نک: ذاکری، تاریخ علم، تابستان ۱۳۸۴، شماره ۳، ص ۶۳-۷۴.

پدرم برای دشوار زایی گزاره‌ای شگفت‌انگیز از یک دارو نوشته است و آن این است: دو تکه سفالینه از یک سبوی کهنه و یا نو را گرفته و بر روی آن می‌نویسد و شمارگانی در آن نوشته به گونه‌ای که در هر صورت جمع پانزده شود و در پیرامون آن دو آیه از زیور می‌نگارد و به زن داده تا به آن نگاه کند (ص ۲۸۰-۲۸۱).

او از طلسم دیگری نیز برای آسان شدن زایمان یاد می‌کند و می‌نویسد:

لبه پوشاک نویی را بریده و بر روی آن بنویسند: «انفتح باب السماء فخرج منه سبعة من الملائكة بایدیهم قضبان من نار الله إلا ذهبتهم إلى فلان بنت فلان حتی تخرجوا ما فی بطنها حیاً کان أو میتاً بالله الحی وباللله الدائم أنا ارقی وعلی الله الخلاص.» سپس تکه پارچه نوشته شده را در آبی تازه قرار داده و سپس آن را فشار دهید و آب به زن داده شود، پارچه زیر سر زن گذاشته شود تا رویان زاده شود. این پارچه را برای آبستنی دیگر زیر خاک نگهداری شود (ص ۲۸۴).

در ادامه طبری گفته است: «به من خبر داده‌اند اگر کسی آن را به کار برد، صاحب چند فرزند خواهد شد» (همانجا).

طبری و باورمندی به تأثیر کهنات

در این اثر از طبابت به شیوه دعا، طلسم و تعویذات بسیار یاد شده و مکرر از عنوان و اصطلاح رقی جمع رقیه به معنای حرز، تعویذ چشم و چشم زخم یاد شده است. طبری در مواردی علت بروز بیماری را جادو و افسون و درمان آن را اوراد و توسل و کاربرد روش سحرآمیز دانسته است (بری نمونه نک: ص ۵۸۴-۵۸۵). با توجه به گستردگی مطالب جادویی در این کتاب می‌توان به اعتقاد مؤلف در باره تأثیر و اسرار نهانی درمان های جادویی و دارویی آن پی برد. هر چند او در جایی می‌گوید که سرشت پنهانی جانداران مهم به نظر نمی‌رسند، اما نمی‌توان آنها را از نظر دور داشت (ص ۵۳۵). بر اساس بازنمایی مطالب مربوط به روش‌های آمیخته به سحر و جادو در این اثر است که برخی از محققانی معتقدند که طبری تجربه مهمی در پزشکی نداشته است و اثر وی را فاقد ارزش علمی دانسته‌اند و آن را بیشتر اثری در مقوله ادب می‌دانند.

نتیجه‌گیری

بررسی‌های موجود نشان می‌دهد که فردوس الحکمه، به عنوان کهن‌ترین درسنامه پزشکی را نمی‌توان تنها یک کتاب پزشکی دانست. از موضوعات قابل توجه در این دست‌نوشته اشارات مؤلف به تأثیرگذاری اجرام سماوی، جانداران و کانی‌ها در علت بیماری یا بهبود آن است. تأثیرگذاری اجرام آسمانی بر سرنوشت، سلامت و بیماری و باز نمود آن در متون علمی از جمله پزشکی از اعتقاد به ارتباط میان شاخه‌های مختلف علوم خبر می‌دهد. در فردوس الحکمه در کنار طبابت علمی، روش‌های سحرآمیز و تمثیلی، طلسم و تعویذات نیز به عنوان دارو تجویز شده‌اند. باور به اثربخشی خواص مکنون اعضای بدن جانداران بخش دیگری از طبابت طبری و روش درمانی او در معالجه بیماری‌ها بوده است. درمان‌هایی که برخاسته از اعتقادات عامیانه و تلفیق خرافات با دانش پزشکی است.

منابع

- آموزگار، ژاله. (۱۳۸۶ش). زبان، فرهنگ و اسطوره. تهران: معین.
- ابن ابی اصیبعه. (۲۰۰۱م). عیون الأنباء فی طبقات الأطباء. به تصحیح عامر نجار. قاهره: الهيئة المصرية العامة للكتاب.
- ابن سینا (۱۹۶۸م). الإشارات و التنبيهات. به تصحیح سلیمان دنیا. قاهره. _____ . (۱۴۲۶ق). القانون فی الطب. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- _____ . (۱۳۳۱ش). كنوز المعزمین. مقدمة جلال الدین همایی. تهران: انتشارات آثار ملی.
- ابن خلدون، عبدالرحمان (۱۴۱۵ق/۱۹۹۵م). مقدمه. تحقیق درویش الجویدی. بیروت: مكتبة العصرية.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق. (۱۳۹۱ق/۱۹۷۱م). الفهرست. تحقیق رضا تجدد. تهران: مكتبة الأسدی.
- ابوریحان بیرونی، محمد بن احمد. (۱۳۵۵ق). الجماهر فی معرفة الجواهر. حیدرآباد دکن: دائرة المعارف العثمانیة.
- ابومعشر بلخی، جعفر بن محمد. (۱۳۸۸ش). الأحكام علی قرانات الكواكب. به كوشش یوسف بیگ باباپور و دیگران. قم: انجمن ذخایر اسلام.
- الگود، سیریل. (۱۳۵۲ش). تاریخ پزشکی ایران از دوره باستان تا سال ۱۹۳۴. ترجمه محسن جاودان. تهران: اقبال.
- اولمان، مانفرد. (۱۳۸۳ش). طب اسلامی. ترجمه فریدون بدره‌ای. تهران: انتشارات توس.
- تفضلی، احمد. (۱۳۵۴ش). مینوی خرد. تهران: انتشارات توس.
- چایلد، گوردن. (۱۳۵۲ش). انسان خود را می‌سازد. ترجمه احمد کریمی و محمد هل اتائی. تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- ذاکری، مصطفی. (تابستان ۱۳۸۴ش). «تصحیح یک طلسم در فردوس الحکمه». تاریخ علم، شماره سوم، ص ۶۳-۷۴.
- رازی، محمد بن زکریا. (۱۳۷۵ق/۱۹۵۵م). الحاوی فی الطب. حیدرآباد دکن: مكتبة دائرة المعارف العثمانیة.
- _____ . (۱۳۸۸ش). خواص الاشیاء. به تصحیح یوسف بیگ باباپور. قم: مجمع نشر ذخائر اسلامی.
- رضوی برقی، سید حسین. (پاییز ۱۳۸۳ش). «نقدی بر تصحیح کتاب فردوس الحکمه: کهن‌ترین درسنامه پزشکی». تاریخ علم، شماره دوم، ص ۱۷۹-۱۸۹.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۳۵۱ش). آسمان و جهان (ترجمه السماء و العالم بحار الأنوار). ترجمه محمدباقر کمره‌ای. تهران: انتشارات اسلامیة.

روش‌های تمثیلی و اندیشه‌های کهانت در.../۶۳

ناصری، محسن و فرزانه غفاری. (۱۳۹۰ش). خوز و خوزی در مکتب پزشکی ایران. تهران: انتشارات المعی.

شی‌پرا، ادوارد. (۱۳۷۵ش). الواح بابل، ترجمه علی‌اصغر حکمت. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

طبری، علی بن سهل. (۱۹۲۸م). فردوس الحکمه. تصحیح زبیر الصدیقی. برلین. عقیلی خراسانی شیرازی، محمد حسین. (۱۳۹۰ش). مخزن الأدوية. تصحیح محمدرضا شمس اردکانی. تهران: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی.

کاشانی، عبد الله بن علی. (۱۳۸۶ش). عرائس الجواهر و نفائس الأطائب. تهران: المعی. کاویانی پویا، حمید. (۱۳۹۴ش). بیمارستان‌ها و مراکز درمانی در ایران. تهران: امیرکبیر. کریستین سن، آرتور. (۱۳۷۹ش). ایران در زمان ساسانیان. ترجمه رشید یاسمی. تهران: دنیای کتاب.

مجریطی، ابوالقاسم مسلمة بن احمد. (۱۹۲۷م). غایة الحکیم. هامبورگ. مسعودی، ابوالحسن علی. (۱۴۰۹ق). مروج الذهب و معادن الذهب. تصحیح یوسف داغر. قم: دارالهیجرة.

نجم‌آبادی، محمود. (۱۳۷۱ش). تاریخ طب در ایران. تهران: انتشارات دانشگاه تهران. وندیداد (فرگرد هفتم). (۱۳۸۵ش). ترجمه و پژوهش هاشم رضی. تهران: بهجت. یزدی، اسماعیل. (۱۳۸۸ش). سیری در تاریخ دندان‌پزشکی ایران: دفتر نخست ایران باستان و دوره اسلامی. تهران: فرهنگستان علوم پزشکی.

یوحنا بن ماسویه. (۱۳۸۸ش). الجواهر و صفاتها. تهران: دانشگاه علوم پزشکی ایران.